

کلمه - دوشنبه، ۱۹ بهمن، ۱۳۸۸

با روحیه جمع بودن و حفظ هویت در راهپیمایی ۲۲ بهمن شرکت کنیم/ جنبش سبز حتی با کسانی که عقاید ما را ندارند دوست است

۲۲ بهمن یک روز جامع و از ایام الله است. با روحیه جمع بودن اما ضمن حفظ هویت باید در اینگونه حرکت ها حضور داشته باشیم/اهانت به مردم و اهانت به آزادی اندیشه ارتباطی به اسلام ندارد/تحولات بعد از انتخابات ممکن است به ما کمک کند تا مجدداً بتوانیم بازتفسیری نو و زنده از قانون اساسی ارائه کنیم تفسیری که بتواند مشکلات کشور را حل کند/اعتقاد دارم ملت صلاح خود را می داند و عقل جمعی، عقل برتر موجود در صحنه است و انقلاب اسلامی برای همین رخ داد/متأسفانه منافع عده ای در دوقطبی کردن جامعه است/نیرویی که امروز به صحنه آمده تنها خواسته اش این است که به قانون و ارزش های اصلی انقلاب اسلامی برگردیم اما مورد تهمت قرار می گیرد/جنبش سبز با همه حتی با کسانی که عقاید ما را ندارند دوست است چون بخشی از ملت ما محسوب می شود/جنبش سبز ملت ایران مستقل، خردگرا و مسالمت آمیز است/ما با بسیج، سپاه و نیروی انتظامی مخالف نیستیم، بلکه با خشونت، زدن و کشتن مخالفیم/جستجو در احوال شخصی مردم و واریسی ایمیل ها و پیام های کوتاه با اعتقادات دینی و اصول قانون اساسی منافات دارد/اجازه دهیم مردم تمام حرف ها را بشنوند و بهترین را انتخاب کنند.

کلمه: مهندس میرحسین موسوی تأکید کرد: جنبش سبز ملت ایران مستقل است و به هیچ وجه اجازه دخالت بیگانگان را در امور خود نمی دهد.

به گزارش خبرنگار "کلمه" مهندس موسوی که در جمع دانشجویان سخن می گفت افزود: دلیل اینکه به جنبش سبز با چنین شدتی حمله می شود این است که روی مراجع، روحانیت و متدینین اثر بگذارند اما به صراحت اعلام می دارم جنبش به هیچ وجه به خارج وابسته نیست.

موسوی تأکید کرد نیرویی که امروز به صحنه آمده و تنها خواسته اش این است که به قانون و به ارزش های اصلی انقلاب اسلامی برگردیم که یکی از آنها استقلال است، مورد تهمت قرار می گیرد که آیا به بیگانه وصل است یا تحت تأثیر آنها است یا نیست.

وی افزود: یادآور می شوم این حمله ها نیز ما را در شعار دچار عدم تعادل نمی کند.

مهندس موسوی ۲۲ بهمن ماه را یک روز جامع و از ایام الله خواند و گفت: باید با روحیه جمع بودن اما ضمن حفظ هویت در این گونه حرکت ها حضور داشته باشیم.

مهندس موسوی جنبش سبز را جنبش جوانی نامید که جوانان در آن سهم بالایی دارند، اما تصریح کرد: جنبش جنبه احساسی ندارد و خردگرایی در این جنبش بسیار قوی است.

وی حفظ خردگرایی در کنار شور جوانان را سرمایه ای بزرگ برای کشور خواند و با اشاره به اینکه باید حرکت ناصحانه خود را حفظ کنیم، افزود: حرکت جنبش سبز مسالمت آمیز بوده و باز هم قویاً باید این مسئله ادامه یابد.

به گزارش کلمه، مشروح سخنان مهندس میر حسین موسوی، نخست وزیر محبوب امام خمینی(ره) به شرح زیر است:

دهه فجر را خدمت شما دانشجویان و جوانان عزیز تبریک می‌گویم. این دهه یادآور یک انقلاب بزرگ است. وقتی می‌گوییم انقلاب بزرگ فقط به قضاوت یک طیف، گستره و یا دسته در نظام خودمان مربوط نیست. این انقلاب یک پدیده شکفت‌آور در دوران خود بود که آثار بسیار عمیقی در سطح جهانی بر جای گذاشته است.

نکته‌ای که فوق‌العاده مهم است این‌که خود انقلاب نتیجه ۲۰ سال تلاش ملت است و این‌گونه نیست که فقط یک عده‌ای در یک سال یا در روندهای محدودی به صحنه آمدند و فداکاری کردند و این انقلاب پیروز شد. این انقلاب نتیجه تلاش‌های بی‌شمار و تجارب فراوان بود. از نظر اندیشه‌ای سابقه موضوع به بیش از چند دهه می‌رسد. منتها اتفاقاتی نزدیک پیروزی انقلاب در کشور افتاد که انقلاب را تسریع کرد و وسعت بخشید و آن را گسترش داد و ما شاهد یک انقلاب عظیم بودیم.

دلایل مختلفی هم برای پیروزی انقلاب در سال ۵۷ ذکر کرده‌اند، دلایل سیاسی، اقتصادی و مهم‌تر از آن رهبری درخشان حضرت امام (ره) که نقش بسیار اساسی در این رابطه داشته‌اند. اما هیچ‌یک از این دلایل نباید ما را از ریشه‌ها غافل کند. باید مجموعه عوامل را با هم دید.

تحلیل شعارهایی که مردم در دوران پیروزی انقلاب و بعد از پیروزی انقلاب سر می‌دادند برای ما مهم است، «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» یک شعار کلیدی در آن موقع بود که باید معنای آن تبیین شود و دلایل تاریخی که مردم به این شعارها رسیدند مورد توجه قرار گیرد. اما شعارهای دیگری وجود دارد که امروز در سایه قرار گرفته و آن شعارها نیز خود تکمیل‌کننده این شعار اصلی است.

شعاری انقلابی که در سایه قرار گرفت...

یکی از شعارهایی که در راهپیمایی‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی مطرح شد، چون در فاصله ۲۲ بهمن ۵۷ تا تقریباً یک سال بعد، هر چند روز یک بار راهپیمایی داشتیم. مخصوصاً در بهار سال ۵۸ این شعار سر داده شده که «در بهار آزادی، جای شهدا

خالی»؛ این شعار را کسی به مردم یاد نمی‌داد، بلکه مردم خود لمس می‌کردند که عده‌ای برای آزادی ایستادند و جنگیدند چون یکی از اهداف اصلی انقلاب اسلامی نیل به آزادی بود و حسرت دوستان خود را می‌خوردند که آنها «بهار آزادی» را ندیدند و لذت و وسعت آن را لمس نکردند. ضمن اینکه آن موقع باب شد وقتی خانواده‌ای شهید می‌داد به او تبریک می‌گفتند. به یاد دارم، در بالای منزل خانواده شهدا پرچم می‌زدند. این مسائل از ابتدای دوران پیروزی انقلاب شروع شد و به دفاع مقدس هم رسید. ولی در عین حال این حسرت وجود داشت که عده‌ای از یاران، این دوران را ندیدند.

تدوین کنندگان قانون اساسی به چه می‌اندیشیدند؟

خود این شعار به نظر من اگر دقت کنیم و فراگیری آن را لمس کنیم هم در ایجاد و تفسیر قانون اساسی و هم در تفسیر شعار «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی»، نقش بزرگی می‌تواند داشته باشد.

وقتی به قانون اساسی باز می‌گردیم، بسیار مهم است که فضایی که منجر به نوشتن این قانون شد را در نظر بگیریم. دقت در آن فضا منجر به این می‌شود که اگر شناخت دقیقی از مسئله نداریم، که این قانون اساسی چه معنایی دارد، بتوانیم وابستگی و پیوستگی اصول آن را درک کنیم.

به هر حال خود آن مقدمات و سوابق، اهمیت زیادی دارد. بویژه شعارها و فضای آن موقع بسیار مهم است. به همین دلیل باید بگویم ما همیشه در معرض این موضوع هستیم که وقتی کتاب خدا را تحریف می‌کنند، طبیعی است که میثاق ملی بشری را هم با گذشت زمان و دور شدن از سرچشمه و سرمنشأ آن و بنا به دلایل گوناگون از جمله منافع فردی و باندي تحریف می‌کنند. اما برای اینکه به آن سرچشمه‌ها برسیم باید یک بازسازی از آن شرایط در دست داشته باشیم، در عین حال نگاه نو و امروزی خود را هم در این تفسیرها از یاد نبریم.

حقیقت این است که اگر ترکیب مجلس خبرگان قانون اساسی و سخنان اعضای این مجلس مورد بررسی قرار گیرد، دغدغه‌هایی را نشان می‌دهد که به نظر می‌رسد بخشی از آن دغدغه‌ها هنوز وجود دارد و آن دغدغه‌ها در مورد اصول مهمی که در مورد حقوق اساسی مردم، مسائل اقتصادی و ... مطرح بوده و بحث‌های خیلی طولانی را به خود اختصاص داده بی‌دلیل نبوده. خود آن گفت و گوها به نظر من، حاصل یک گفت و گوی وسیع و طولانی تاریخی میان ملت ما بوده است و این‌گونه نیست که تعداد محدودی از خبرگان بحث کردند و این قانون را نوشتند. این مسائل تحت تأثیر شرایط تاریخی، گفتمان‌های موجود در جامعه و گفت و گوی میان احزاب و گروه‌ها بوده است.

این‌گونه بحث‌ها بعد از مشروطه نیز در جریان بود. شما اگر به اصول اقتصادی، حقوق مردم و عدم تجسس در امور خصوصی در قانون اساسی باز گردید، در واقع نتیجه عمری

تجربیات تلخ در رژیم‌های سابق بوده که چنین کارهایی را انجام می‌دادند. لذا به خاطر این‌که برداشت درستی از قانون اساسی و انقلاب داشته باشیم، باید شرایط آن موقع کاملاً سنجیده شود.

به خاطر دشمنی یا منفعتشان حقایق انقلاب و قانون اساسی را تحریف می‌کنند

این موضوع به این خاطر است که در شرایط فعلی و وجود فضای خاص سیاسی چه بسا افراد و گروه‌هایی با توجه به مشکلاتی که آنها با انقلاب داشته و یا انقلاب با آنها، سعی کنند تحریفی را در این زمینه باعث شوند و ما می‌بینیم حقایقی گفته نمی‌شود و برعکس، یک نوع شک و تردیدهایی در مورد بنیان‌های انقلاب اسلامی صورت می‌گیرد. ولی فقط این مسئله نیست که چهره واقعی انقلاب اسلامی را تهدید می‌کند بلکه در این سو هم افرادی که صاحب مال، امکانات و منافع هم شده‌اند باز هم تفسیر خاص بر اساس منافع خود از قانون اساسی را ارائه می‌دهند.

برای همین می‌بینیم که برخی اصول برجسته و برخی اصول کمرنگ می‌شود، در حالی که قانون اساسی یک مجموعه به هم پیوسته است و باطل شدن بخشی از آن می‌تواند به باطل شدن بخش‌های دیگری منجر شود و آن را بی‌اثر کند و پشتوانه مردمی از قانونی اساسی را حذف کند.

هیچ دلیلی ندارد که از اجرای برخی اصول قانون اساسی صرف نظر کنیم

باید دید چه کسانی از بستن روزنامه‌ها و محدود کردن رسانه‌ها سود می‌برند

به همین دلیل به نظر من، بسیار مهم است که این مسائل با هم دیده شود. باید دید که چه کسانی از بستن روزنامه‌ها و رسانه‌ها سود می‌برند و یا سایر اصول قانون اساسی که باید به آن پرداخت. قانون اساسی وقتی به مسئله اقوام، زنان، حقوق مردم باز می‌گردد، فکر می‌کنم معدل نتایج و چالش‌هایی است که در دهه‌های قبل از انقلاب اسلامی در کشور ایجاد شده و به این دلیل، هیچ دلیلی ندارد که ما را قانع کند، که ما از بخشی از این اصول صرف‌نظر کنیم.

مثالی در این مورد مطرح می‌کنم. البته بحث‌های دیگری هم وجود دارد که لازم است مطرح شود و جا دارد در این روزها مسائلی که شاید کم‌اهمیت به نظر می‌رسد هم مطرح شود. یکی از بحث‌های اول انقلاب اسلامی، برقراری نظام شورایی بود.

همه می‌گفتند؛ باید از شورا استفاده شود. این مسئله منجر به این شد که فکر می‌کنم ۷ اصل در قانون اساسی در مورد شوراها وجود داشته باشد ولی متناسب با این ۷ اصل که بحث‌های مفصلی پشت آن هست، غیر از بحث‌های مجلس خبرگان؛ به یاد دارم در صحن مساجد، منابر، دانشگاه‌ها بحث بود، اما از این ۷ اصل به اندازه کافی استفاده نکرده‌ایم و

ظرفیت عظیم آن را که می‌تواند بسیاری از مشکلات کشور را حل کند و سایه دیکتاتوری، استبداد، حاکمیت نظرهای شخصی و منافع گروهی را از نظام دور کند، هنوز استفاده نکرده‌ایم.

اول انقلاب بحث بود که کشور ما با توجه به تنوع اقوام و قومیت‌ها و فرهنگ‌ها نمی‌تواند به سمت یک حکومت فدرالی پیش برود ولی عدم تمرکز را در اصول مربوط به شوراهای در نظر گرفته شد و واقعاً چنین ظرفیتی در این اصول وجود دارد.

شاید زمانی به دلیل نپختگی و شرایط جنگ و سایر دلایل، اجرای آن به عقب افتاده سه بار در دهه اول انقلاب، اگر ذهنم درست یاری کند، ما طرح‌هایی را در مورد شوراهای شهر مجلس دادیم. ولی متأسفانه به تدریج دامنه اختیارات کم شد و منجر به همین شوراهای شهر و روستا شد که البته شوراهای شهر هم باز غنیمت است و به نظر من یکی از قوانین خوب ما همین قانون شوراهای است. ولی چرا به این اصول نمی‌پردازیم، محل سؤال است و فکر می‌کنم جای سؤال برای همه ما باید باشد. من نمی‌خواهم بگویم سوءنیتی وجود دارد، ولی یکی از بحران‌های رایج و مسائلی که در کشور پیش آمده به نوعی نتیجه این تفکر است که بسیاری از این اصول قانون اساسی که ظرفیت فراوانی دارند را به کنار گذاشته‌ایم.

آنچه بعد از انتخابات دهم ریاست جمهوری در کشور اتفاق افتاد و حرکت عظیمی را باعث گردید و اندیشه‌های تازه‌ای در آن زاده شد، از این نظر اهمیت دارد که ممکن است به ما کمک کند تا مجدداً بتوانیم «باز تفسیر نو» و زنده‌ای را از قانون اساسی ارائه کنیم. تفسیری که بتواند مشکلات کشور را حل کند.

فاصله بین تغییرات اجتماعی و تغییرات حاکمیت؛ یکی از مهمترین مشکلات کشور

مسایل باید با گفت و گو و برهان و فضای آزاد حل شود نه با تفنگ و مسایلی که امروز در خیابان‌ها رخ می‌دهد

شما در نظر داشته باشید که به هر حال جامعه ما به شدت تغییر کرده است و جامعه جهانی و محیطی ما هم تغییر کرده است و به تبع آن، به دلیل تغییرات فضای جهانی، دگرگونی‌هایی هم در کشور اتفاق افتاده است. فروپاشی شوروی را نباید دست کم گرفت، آثار آن در کشور ما بسیار عمیق است. به یاد داشته باشیم که در مشروطیت اتفاقاتی که در شمال رخ داد در اندیشه سیاسی داخل کشور آثار فوق‌العاده‌ای داشت و این آثار تا دورانی که بلوک شرق وجود داشت در کشور و سیاست‌های آن منعکس بود تا این‌که بلوک شرق فروریخت.

این رخدادی است که در فضای بیرونی کشور اتفاق افتاده ولی فقط این موارد نیست. پیشرفت‌های اقتصادی، تکنولوژی و گسترش فضای مجازی، ماهواره‌ها، که عملاً آگاهی

را در میان ملت‌ها گسترش می‌دهند و در حقیقت تمام این موارد به اضافه مسائلی که در کشور به دلیل تغییراتی که پیش آمده منجر به تغییرات عمیقی در میان ملت گردیده است.

یکی از مهمترین مشکلات کشور این است که بین این تغییرات و تغییرات حاکمیت فاصله افتاده است. یعنی به سرعتی که فرهنگ، اقتصاد و نگاه جامعه عوض شده است، به نظر من، حاکمیت این تغییر را نداشته است و این یک مشکل وسیع است. به همین دلیل، یک عقب‌افتادگی را حس می‌کنیم که به چالش بسیار عمیقی منتهی می‌شود. وگرنه، راه حل مسائلی که در خیابان‌ها اتفاق می‌افتد، با توپ و تفنگ و امثال آن حل نمی‌شود. بلکه، با صدا و سیما، سایر رسانه‌ها، فضای آزادی و فضای گفت و گو، برهان و عقل قابل حل است که این مسائل در قانون اساسی و دین ما ریشه دارد.

درحقیقت، رسانه‌ها مانند دادگاه‌هایی باید عمل کنند که هیأت منصفه آن ملت بزرگ ایران باشد. ما به آن ملت اعتماد می‌کنیم و من اعتقاد دارم ملت صلاح خود را می‌خواهد و عقل جمعی، عقل برتر موجود در صحنه است و انقلاب اسلامی برای همین رخ داده و قانون اساسی نیز برای حاکمیت مردم بر سرنوشت خود تدوین شد. این زمانی اتفاق می‌افتد که بحث و گفت و گویی در میان مردم به صورت آزاد صورت گیرد و حاکمیت به اصول و مبانی و قاعده بازی آن تن در دهد.

بنابراین باید نگاه خود را به تبع شرایط جهانی، تغییرات اعجاب‌انگیز در توسعه تکنولوژی عوض کنیم و از ارتباطات و رسانه‌ها نهایت استفاده را ببریم. اما می‌بینیم در این رابطه مشکلاتی داشته‌ایم و نتیجه می‌شود که حتی یک یا دو مناظره را هم بر نمی‌تابند و احساس خطر می‌کنند. برنامه را قطع می‌کنند و درست برعکس آن عمل می‌کنند. اما اگر نگاه خود را عوض کنیم، خواهیم دید نه تنها آن دو مناظره، بلکه گسترش آن می‌تواند بسیار مهم باشد.

درست گاهی برعکس مسئله عمل می‌شود. اکنون در مجلس بحث این است که چقدر پیام‌های کوتاه را، یا خبرها را کنترل کنند که این بحث در جای خود خوب است ولی نوع نگاه اگر اصلاح نشود، نمی‌تواند منجر به اصلاح امور شود.

اجازه بدهیم که مردم تمام حرف‌ها بشنوند و بهترین آن را انتخاب کنند

آن نگاهی می‌تواند سرنوشت‌ساز باشد و کشور را به آرامش برساند که ریشه در دین ما داشته باشد و اجازه بدهیم مردم تمام حرف‌ها را بشنوند و بهترین آن را انتخاب کنند و ما یقین داریم مردم درست انتخاب خواهند کرد.

ممکن است دو روزی از کلام قطعه قطعه شده و تحریف شده امام منفعت ببریم اما...

نکات دیگری هم وجود دارد که می‌تواند کمک کند که ما قانون اساسی را امروز بهتر ببینیم. متأسفانه گفته‌های بریده، بریده‌ای از حضرت امام(ره) در صدا و سیما و جاهای دیگر نقل می‌شود که مورد اعتراض نوه گرامی حضرت امام هم قرار گرفت. اما حقیقت این است که اگر ما نتوانیم فضای زنده، پر شور و پر از معنویت و نورانیت که در اول انقلاب وجود داشته و سخنان امام را تفسیر می‌کند، بشنویم، منجر به این می‌شود که ما یک چهره تاریک و چهره قطعه قطعه شده از انقلاب را امروز ارائه دهیم و این می‌تواند به این موضوع منجر شود که نه تنها مردم از انقلاب بلکه از اسلام هم جدا شوند. چون نظام ما به نام دین و اسلام است و مهمترین دغدغه بنیان‌گذاران جمهوری اسلامی، این بود که به اسلام لطمه نخورد.

البته ممکن است که دو روزی منفعتی را به دست آوریم و حجتی را از کلام امام(ره) بگیریم و از آن علیه گروهی استفاده کنیم ولی وقتی که این کار را با لحاظ منافع خود می‌بینیم و به آن سرچشمه رجوع نمی‌کنیم این زیان را دارد که زبان کسانی که از اول با انقلاب بد بوده‌اند و هنوز هم بد هستند باز شود و تمام دستاوردهای انقلاب را زیر سؤال ببرند.

در حالی که، انقلاب اسلامی در حقیقت حاصل جمع همه حرکت‌هایی است که بعد از انقلاب مشروطه ایجاد شد. مانند انقلاب مشروطه، نهضت ملی شدن نفت، ۱۵ خرداد و سایر جریان‌ها و تجربیاتی که ملت داشته است. بنابراین، باید این مسائل را در مجموع مورد توجه قرار داد. بنابراین براساس چنین رویکردی می‌توان ملت را در کنار انقلاب اسلامی نگه داشت. در غیر اینصورت استفاده ابزاری از دین و مقدسات می‌تواند دین را در معرض سؤال‌های جدی قرار دهد و خود این خطر بزرگی است.

از حساسیت ما مردم به شعار استقلال هم سوءاستفاده می‌کنند

مسئله بعدی این که اگر در شعار «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» دقت کنیم، موضوع استقلال است. ملت ایران بعد از جنگ ایران و روسیه دائم در معرض تهاجم بیگانه بود. قطعات بزرگی هم از کشور جدا شده است و این مسئله تا زمان شاه هم ادامه داشت ولی عملاً تمام این موارد منجر به این شد که ملت ما نسبت به نفوذ بیگانه، حساس و حتی دچار هراس شوند که ریشه بسیاری از گفتمان‌های موجود در کشور به حساسیت مردم نسبت به نفوذ بیگانگان بود بویژه روس‌ها و انگلیس‌ها و بعد آمریکا و الی آخر، این مسائل در کشور وجود داشته و برای همین، در شعار «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی»، موضوع استقلال اهمیت زیادی دارد.

نیروی عظیم با شعار بازگشت به ارزش‌های انقلاب به صحنه آمده و حالا متهم می‌شود

اکنون این حساسیت مردم و خود این شعار مورد سوء استفاده قرار می‌گیرد یعنی نیرویی که امروز به صحنه آمده و تنها خواسته‌اش این است که به قانون و به ارزش‌های اصلی انقلاب اسلامی برگردیم که یکی از آنها استقلال است، مورد تهمت قرار می‌گیرد که آیا به بیگانه وصل است یا تحت تأثیر آنها است یا نیست. من می‌خواهم بگویم که برای رهایی از سلطه بیگانه باید کشوری پیشرفته داشت و باید با نگاهی نو به جهان نگریست. با تغییراتی که در داخل و خارج اتفاق می‌افتد خود را با حفظ ارزش‌ها تغییر دهیم. آن موقع می‌توانیم استقلال واقعی خود را داشته باشیم. وقتی از این شعارها به صورت ابزاری استفاده می‌کنیم نتیجه آن تناقض‌هایی است که اکنون می‌بینیم. از یک سو نامه‌های مکرر برای نصیحت سران کشورهای مختلف می‌فرستیم و آنها را با عنوان «مدیریت جهانی» دعوت به اسلام می‌کنیم و سعی می‌کنیم با آنها ارتباط برقرار کنیم و از سوی دیگر، در ارتباط با جهان حتی نمی‌توانیم یک دوست نزدیک و صمیمی در منطقه و جهان داشته باشیم.

فرض کنیم امریکا به عنوان یک قدرت بزرگ در جهان، می‌خواهد سیاستی را در مورد ما اعمال کند، با اینکه این کشور قدرت بزرگی است و نیروی نظامی و اطلاعات وسیعی دارد و دستگاه‌های تبلیغاتی و پول زیاد دارد، به بودجه سالانه آمریکا نگاه کنید و آن را با بودجه کشور مقایسه کنید. با این مقایسه حجم اقتصاد آن کشور را درک می‌کنیم. این کشور باز خود را بی‌نیاز نمی‌بیند که نظر انگلیس، فرانسه، آلمان، چین و روسیه را جلب کند تا سیاستی را در مورد کشور ما اجرا کند. مثلاً در مورد تکنولوژی اتمی، اما عملاً در مقابل این جریان که علیه ما است چند کشور و یا ملت را در کنار خود داریم که مؤثر هستند؟

نه ماجرا جویی و ناسزا به دیگران و نه نامه های فدایت شوم برای...

این در حالی است که با آنها نامه‌نگاری می‌کنند به ما می‌گویند بیاوید و به این کشورها ناسزا بگویید و با آنها مقابله کنید. ما می‌گوییم مسائل انتخابات خانوادگی است و ربطی به خارج ندارد و یقیناً ملت ما حاضر نیست تحت تأثیر منافع دیگران کار کند ولی این‌که ما هم مثل شما، سیاستی ماجراجویانه داشته باشیم، یک روز ناسزا بگوییم، یک روز بخندیم و روزی نامه فدایت شوم بنویسیم، را نمی‌پذیریم.

جنبش سبز دچار ماجراجویی، افراط و تفریط نخواهد شد

جنبش سبز یا این شعار بوجود آمده که می‌خواهیم تعاملی سازنده با جهان داشته باشیم و ما از این مسئله غفلت نمی‌کنیم و دچار ماجراجویی نخواهیم و افراط و تفریط نمی‌شویم. ما به دنبال یک عقلانیت در رابطه خود با خارج و ملت هستیم. باید براساس منافع درازمدت ملت حرکت کنیم. اگر به شعار استقلال به این معنا بازگردیم به هیچ‌وجه، منافع بیگانگان تعیین‌کننده حرکت ما نباید باشد. و ما به این موضوع اعتقاد راسخ داشته و خواهیم داشت.

جنبش سبز ایران مستقل است/ نقل قولی مهم از آخوند خراسانی

جنبش سبز ملت ایران مستقل است و به هیچ‌وجه اجازه دخالت بیگانگان را در امور خود نمی‌دهد ولی این که ما منفعل باشیم. و هر کاری که می‌کنیم در ترازو بگذاریم که یکی خوشحال شود و دیگری بدحال شود، این کار را هم نمی‌کنیم. ملت ما اهداف درازمدتی را دنبال می‌کند و یک ملت در این رابطه باید حساس باشد. از آخوند خراسانی داریم که وقتی بحث روس و انگلیس را مطرح می‌کند و در پاسخ به عده‌ای که می‌گویند چرا بعضی از مشروطه‌طلبان، در سفارت انگلیس هستند که بحث مفصلی دارد، می‌گوید که اگر قرار باشد فلان کار را نکنیم چون به نفع انگلستان است و کار دیگری را نکنیم چون به نفع روسیه است، هیچ کاری نمی‌توانیم انجام دهیم چون هر کاری صورت گیرد، کشورهای دیگری از آن نفعی خواهند برد و یا می‌خواهند ضرری را دفع کنند. ولی استراتژی یک نظام مستقل و جنبش مستقل این است که براساس منافع درازمدت حرکت کند و متأثر از بیگانگان نشود.

هجمه های آنان علیه جنبش سبز و در عین حال آرامش و اعتدال سبز ها

دلیل این که این مسائل امروزه با جنبش شدتی مطرح می‌شود، به خاطر این است که روی مراجع و روحانیت و متدینین اثر بگذارند اما اینجانب به صراحت اعلام می‌دارم به هیچ‌وجه جنبش سبز به خارج وابستگی ندارد و با این مسئله مخالف است و تحت تأثیر این مسائل نیز قرار نمی‌گیرد و براساس منافع ملی حرکت می‌کند و کارهای ما ارتباطی با بیگانه ندارد. در عین حال، این هجمه‌ای که به جنبش سبز می‌شود، ما را در شعارها دچار عدم تعادل نمی‌کند. نصیحت ما به حاکمیت این است که سیاست متعادلی را در پیش بگیرد و در جهان دوست پیدا کنید و متحد داشته باشید و از ظرفیت های منطقه استفاده شود و دامنه نفوذ کشور را با دوستی و ارتباط محکم نمائید تا آسیبی به کشور نرسد. این نصیحت را به همه دارم. این موضوع برآمده از دل همه ملت ما است و خود جنبش سبز هم این گونه است و خواهد بود.

در شرایط فعلی آن چه جوانان می‌توانند انجام دهند این است که از ظرفیت عظیم تغییرات در کشور به بهترین وجه در سایه اصولی که به خاطر آن شهدای زیادی تقدیم کرده‌ایم استفاده کنند.

حرکت جنبش سبز مسالمت‌آمیز بوده و باز هم قویاً باید این مسئله ادامه یابد

جنبش سبز، جنبش جوانی است که در آن جوانان سهم بسیار بالایی دارند. اما خوشبختانه جنبش جنبه احساسی ندارد و خردگرایی در این جنبش بسیار قوی است.

باید خردگرایی را در کنار شور جوانان اعم از زن و مرد حفظ کنیم چون سرمایه بزرگی برای کشورمان، انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی است و بدانیم تغییرات و تحولاتی که هست، علی‌رغم تلخی‌ها، مشکلات، سرمایه‌ای برای آتیه کشور برای ورود به فضای نو

محسوب می شود و ما باید برای ورود به فضای نو، متناسب با تغییرات جهانی و مسائل خود این دشواری‌ها را تحمل کنیم و با خرد مسائل را پیش ببریم.

منافع عده‌ای در دو قطبی کردن جامعه است تا بهتر مردم را سرکوب کنند

باید حالت ناصحانه، شفقت و دلسوزی خود را نسبت به نظام از دست ندهیم. از اول حرکت جنبش سبز مسالمت‌آمیز بوده و باز هم قویاً باید این مسئله ادامه یابد. متأسفانه منافع عده‌ای در دو قطبی کردن جامعه است تا در نتیجه این دو قطبی بهتر مردم را سرکوب کنند و بهتر به اهداف خود برسند.

جنبش سبز با همه دوست است حتی با کسانی که عقاید ما را ندارند

جنبش سبز با همه دوست است. با کارگران، معلمان، جنبش زنان دوست است حتی با کسانی که عقاید ما را ندارند، دوست است. چون بخشی از ملت ما هستند و آنان برادران و خانواده ما هستند. جزو ملت ما هستند و ما با همه آنها دوست هستیم.

نهاد های کشور قابل احترامند اما...

نهادهایی در کشور وجود دارد که قابل احترامند اما با خشونت، زدن، سرشکستن و کشتن مخالفیم. ما با بسیج، سپاه و نیروی انتظامی مخالف نیستیم. اینها نهادهایی هستند که یک نظام به طور طبیعی دارد و در آنجا برادرانی هستند که جزو ملت هستند و دلسوز ما هستند لذا با این روحیه باید در صحنه حاضر باشیم. عصبانیت‌ها و تلخی‌ها نباید کنترل را از ما بگیرد. ۲۲ بهمن ماه پیش رو است.

۲۲ بهمن از ایام الله است؛ شرکت همراه با همه مردم و با حفظ هویت

حقیقتاً یکی از روزهایی است که باید نام «روز جمع» و «روز جامع» بر آن نهاد. یکی از ایام‌الله است. و می‌تواند ویژگی‌های گوناگونی را در خود جمع کند. همه به این مسئله علاقه دارند. احساس من این است که با روحیه جمع بودن در ضمن حفظ هویت باید در این‌گونه حرکت‌ها حضور داشته باشیم و سعی کنیم با رفتار خود اثرگذار باشیم تا در سطح ملی آثار خوبی را در جای خود به جای گذارد.

اهانت به مردم، اهانت به آزادی اندیشه، ارتباطی به اسلام ندارد

تذکر آخر این که برخورد با حرکت‌های مسالمت‌آمیز مردم به نام اسلام باعث اسلام‌گریزی می‌شود. کسانی که به دین اعتقاد دارند، مخصوصاً روحانیت باید بدانند که زندانی کردن، ضرب و شتم، گرفتن و بستن‌ها، چون به نام اسلام و حکومت اسلامی صورت می‌گیرد ضرر آن به اسلام باز می‌گردد و باید همه تلاش کنیم که این حالت از بین برود.

اگر می‌خواهیم که اسلام را به عنوان سرمایه برای کشور نگاه داریم نباید منافع ما، مصالح اسلام را تحت تأثیر قرار دهد.

زدن، گرفتن و بستن چه ربطی به اسلام دارد و یا جلوی برهان و گفت و گو را گرفتن چه ربطی به اسلام دارد. جستجو در احوال شخصی مردم چه ربطی به اسلام دارد. واریسی ایمیل‌های مردم چه ربطی به اسلام دارد. این مسائل با اعتقادات دینی و اصول قانون اساسی منافات دارد.

اهانت به مردم، اهانت به آزادی اندیشه، ارتباطی به اسلام ندارد و انشاءالله همه متوجه باشند که کاری نکنند که در کشور رویگردانی از اسلام را شاهد باشیم.

از اقوام و گویش‌های مختلف نترسیم

هیچ کشوری به پیشرفت نرسیده مگر اینکه در دوره‌هایی از این مسائل را داشته و بسیار خوش‌بین هستیم که خداوند نتیجه این تلاش‌ها را به ثمر می‌رساند و ما وضعیت بهتری را برای ملت خواهیم داشت تا از اندیشه‌ها، از اقوام و از گویش‌های مختلف نترسیم.

هند با صدها زبان و مذهب و تنوع قومیتی به عنوان بزرگترین دموکراسی ایستاده است و این تجارب وجود دارد. آیا زبان برای این کشور مشکلی ایجاد کرده که ما این‌قدر برای این موضوع مسئله ساخته‌ایم. در انتخابات هر جا می‌رفتیم، می‌گفتند، اینجا با موضوع زبان این‌گونه برخورد کردند.

ما از آزادی، اعتماد به ملت، گردش آزاد اطلاعات لطمه نمی‌بینیم. ممکن است به من نوعی فشار وارد شود ولی عملاً برای جامعه مفید است و به نفع اسلام و آینده کشور است.

والسلام علیکم و رحمت الله و برکاته